

و بعد این امر به خرده‌نظام‌های دیگر سرایت می‌کند. یعنی خرده‌نظام اقتصادی ملموس‌ترین سطح شهر محسوب می‌شود که می‌تواند به تبعیت از آن سیاست‌های خرده‌نظام فرهنگ متفاوت باشد. بنابراین تفاوت در همین اختلاف نظر برنامه‌ریزان فرهنگی که واقعا ارزش‌های یک شهر دینی چگونه باید خودش را در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و مدیریت شهری نشان دهد. ما ابزار و مفاهیمی را تولید کرده‌ایم که در نهایت برنامه‌ریزان فرهنگی با توجه به این اهداف بتوانند در برنامه‌ریزی‌شان این مسیرها را انتخاب کنند. در واقع یک پیوستار است که بسیاری از صاحب‌نظران و نخبگان فرهنگی ما دیدگاهشان در روی این پیوستار قرار می‌گیرد. نگاه ما در این مطالعه پژوهش محور است و می‌توان بر همین اساس گفت بسیاری از اقدامات در شهر از نگاه پژوهش محور، فاقد برنامه است. ضعیف‌ترین نوع نگاه به پژوهش این است که زمانی که یک پروژه با اختلال مواجه می‌شود از پژوهشگران اجتماعی درخواست می‌شود تا آثار منفی آن را مورد بررسی قرار دهند. در صورتی که مطالعات اجتماعی باید قبل از انجام پروژه انجام شود.

**آقای دکتر در مورد این دو دیدگاه توسعه جای نگرانی وجود دارد. این دو مفهوم را چطور می‌شود باهم جمع کرد؟ به عبارتی چطور می‌توان یک شهر ثروتمند زیارتی یا معنوی داشته باشیم؟ آیا این امکان پذیر است که این دو باهم جمع شوند؟**

**خیر خواهان:** باید افرادی جمع شوند و تحقیقاتی انجام شود تا یک حد وسطی بر اساس ارزش‌ها و اولویت‌هایی که وجود دارند، تعیین شود تا در شرایط متعددی قرار بگیریم. موضوع زیارت و خدمات به پول و بودجه نیاز دارد لذا خواسته افراد سرمایه‌گذار با در نظر گرفتن جنبه‌های نظارتی، حمایتی باید بررسی شود. با توجه به موضوع «وقف»، باید افرادی را با اتخاذ روش‌های درست و تعریف شده ترغیب کنیم که منابع مالی‌شان را در خدمت به زائران قرار دهند. باید شیوه‌های قدیمی وقف در خدمت‌رسانی به روش‌های مدرن و مناسب متحول شود. توسعه باید گام به گام باشد و اشکالات و ایرادات در فرآیند کار دیده شود. به تدریج دانش و تجربه بیشتری به دست می‌آید که می‌توان تصمیمات جامع‌تری هم درباره برنامه‌ها و پروژه‌ها گرفت.

فضای رسانه‌ای نیز در این زمینه موثر است با این هم‌فکری و استفاده از افراد گوناگون و برگزاری همایش‌ها می‌توان دانش

مرتبط با توسعه را افزایش داد و شاید بتوان این دو دیدگاه را باهم جمع کرد.

**آیا می‌توانیم به یک مدل از پایتخت و شهر ثروتمند معنوی برسیم؟ ثروتمند به این معنا که در تراز استانداردهای بین‌المللی همه ساکنان و جمعیت ثابت از همه مؤلفه‌ها و خدمات شهری در سطح مطلوبی استفاده کنند و در عین حال کارکرد اصلی و مأموریت شهر تحت شعاع قرار نگیرد و به عبارتی محور توسعه فدای توسعه نشود؟**

**عظیمی:** بین این دو مفهوم معنویت و تولید ثروت هیچ مغایرتی وجود ندارد. همان‌طور که در مطالعات ما هم آمده است و آقای دکتر خیرخواهان توضیحات بیشتری درباره شاخص‌های اقتصادی می‌دهند، یک مفهومی که در بحث توسعه‌های اقتصادی شهر مشهد مدنظر قرار گرفت، بحث رقابت‌پذیری شهر بود که شاخص‌های مختلفی دارد و در ارزیابی قدرت رقابت‌پذیری شهر مشهد، دکتر خیرخواهان در مطالعات‌شان ملاک‌ها را با یازده شهر زیارتی دیگر مقایسه و بررسی کردند. یعنی مشهد با یک شهر تفریحی یا شهر توسعه‌یافته‌ای که کارکرد صنعتی دارد مقایسه نشده بلکه با شهرهایی مقایسه شده که مشابه مشهد کارکرد اصلی‌شان زیارتی است. مشهد باید بتواند قدرت رقابت‌پذیری‌اش را افزایش دهد تا در جذب زائر بیشتر (که همان هدف توسعه زیارت و توسعه معنوی است) موفق باشد و برای اینکه قدرت رقابت‌پذیری‌اش افزایش پیدا کند لازم است که به تأمین زیرساخت‌ها و تولید ثروت و هر آنچه به آرایه خدمات بیشتر به زائران و شهروندان منجر می‌شود، بپردازد.

روی شاخص‌های رقابت‌پذیری زیارتی که حدود ۱۰ تا ۱۵ شاخص بود، وضعیت مشهد را مقایسه کردند و مشخص شد که در چه مؤلفه‌هایی مشهد در کجا قرار دارد، که در یک مؤلفه در رأس بود و در سایر مؤلفه‌ها در ذیل شهرهای دیگر قرار گرفته بود. این امر می‌تواند در واقع هدف‌گذاری اقتصادی شهر زیارتی را مشخص کند. بنابراین گروه دومی که دغدغه اصلی‌شان این است که مشهد بتواند به عنوان پایتخت معنوی فرصت

بیشتری برای زیارت و تجربه معنوی فراهم کند، باید یک نگرش اقتصادی‌شان داشته باشند و سیستم اقتصادی‌شان را تعریف کنند که آیا قرار است فقط با اتکا به دولت، این بودجه مورد نیاز تأمین شود یا شهر به‌طور مستقل و در رقابت با شهرهای زیارتی دیگر قدرت خودش را افزایش می‌دهد؟

**یکی از منشأهای اختلاف، مفهوم اقتصاد فرهنگی است که درست تبیین نشده شاید هم به دلیل این که کارکرد اقتصاد فرهنگی با موضوع مشهد متفاوت است این مساله رخ داده است نظر شما چیست؟**

**عظیمی:** اقتصاد فرهنگ بیشتر به حیطه تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی اشاره دارد؛ یعنی هر کالایی که به قصد اشاعه ارزش‌ها و باورهای فرهنگی انتشار پیدا می‌کند و تولید می‌شود، باید بحث‌های اقتصادی‌اش دیده شود. اینکه نوع فعالیت‌های اقتصادی که در شهر مشهد انجام می‌شود، به بحث فرهنگی بودن نیاز دارد دو موضوع متفاوت است که بیشتر به سیاست‌گذاری‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت فرهنگی مربوط می‌شود. وقتی سیاست مشخصی در بحث سرمایه‌گذاری‌هایی که در مناطق مختلف شهری لازم است اتفاق بیفتد آیا فقط محدوده حرم یا در کل شهر مشهد باید ویژگی‌های خاصی در ارائه کالاهای و خدمات داشته باشد؟ در این موضوع اختلاف دیدگاهی در سیاست‌های سرمایه‌گذاری و نوع نگاهی که به توسعه در شهر داریم، وجود دارد. این که بحث توسعه اطراف حرم مطهر و منطقه ثامن می‌تواند آن ارزش‌ها و آرمان‌هایی را که در پیوست‌های اجتماعی ما لازم است مدنظر قرار گیرد. از جمله بحث نابرابری‌های اجتماعی. در مورد اینکه شهر باید نگاهش منطقه‌بندی شده باشد یا در کل شهر باید این ارزش‌ها عمومیت پیدا کند اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند منطقه ثامن منطقه حرم است و در آنجا نسبت به مناطق حاشیه‌ای شهر باید به این ارزش‌ها توجه ویژه شود و حساسیت‌ها بیشتر باشد. این موارد باید در بحث سیاست‌های مدیریتی شهر و همین

مفاهیمی که در مدل طراحی شده است به بحث گذاشته شود و یک توافق جمعی که در قالب سند کلی که تولید است، سیاست‌های اصلی شهر را تبیین کنیم. لذا اقتصاد فرهنگ با این موضوع ارتباط پیدا نمی‌کند ولی با اقتصاد زیارت مرتبط است.

**با توجه به این که عامل توسعه شهر مشهد در واقع بحث زیارت است، معیارهای توسعه مشهد باید بر اساس نیازهای مجاور باشد یا زائر؟ و آیا نیازهایشان باهم متفاوت است یا خیر؟**

**عظیمی:** تفاوت در نیازها وجود دارد چون گردشگر و زائری که شهر خودش را به قصد سفر و از جمله سفر زیارتی ترک می‌کند، وارد مقصدی می‌شود که نوع خدمات و امکاناتی که می‌خواهد از آن بهره‌مند شود با نوع خدماتی که شهروندان شهر استفاده می‌کنند ممکن است متفاوت باشد هر چند که جنس خدمات یکی است. درواقع زائر باید از سیستم حمل‌ونقل عمومی استفاده کند و باید اسکان داشته باشد که اسکانش موقت است و اسکان شهروند دائم و همیشگی است باید از خدمات تغذیه‌ای هم استفاده کند و بر خورداری‌اش از کل امکانات و شرایط زیست‌محیطی شهری از مراکز تفریحی و تجاری دارد.

**این نیازها در هیچ‌جا باهم در تضاد قرار نمی‌گیرند، یعنی ما نقطه‌ای نداریم که نیاز زائر با نیاز مجاور در تزامن باشد؟**

**عظیمی:** ممکن است تزامن داشته باشد اما در تضاد نیست. بالاخره اگر بخواهیم زیارت را توسعه دهیم نباید به شهر بی‌توجه باشیم. برای توجه هم‌زمان به نیازهای این دو دسته باید برنامه ریزی دقیقی انجام دهیم. پس تضاد ماهوی بین این دو نیست.

دو موضوع در بخش صنعت گردشگری مطرح است، یکی تحمل ظرفیت جامعه میزبان است که این ظرفیت، هم دارای ابعاد اجتماعی و هم ابعاد فرهنگی و هم زیست‌محیطی است. لذا اگر به این ظرفیت تحمل توجه شود جامعه میزبان را در مواجهه با شرایط فشار حضور گردشگران آماده می‌کنند.

موضوع دیگر این است که باید توازنی بین ادراک منافع و ادراک هزینه‌ها در جامعه میزبان به وجود آید که جامعه میزبان احساس خوشایندی از حضور زائر و گردشگر داشته باشد زیرا این ادراک هزینه‌ها و منافع، بعد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد. همچنین آثار فرهنگی که این پدیده دارد، یعنی همین تلقی‌های دینی که وجود دارد و میزبانی از زائر درواقع یک اقدام خدایندانه و ارزشی است.